



دانشگاه خوارزمی
دانشکده ادبیات و علوم انسانی
گروه علوم اجتماعی

پایان نامه کارشناسی ارشد

بررسی عوامل اجتماعی و فرهنگی موثر بر مشارکت اجتماعی شهروندان شهر تهران
در سال ۱۳۹۲

استاد راهنما

دکتر بیژن زارع

استاد مشاور

دکتر فرهاد نصرتی نژاد

محقق

نورالدین کاکایی

تابستان ۱۳۹۲

تقدیریم به پدر و مادرم والاثرین سرمایه‌های زندگی‌م

تشکر و قدردانی

در ابتدا بر خود لازم می‌دانم از تمامی کسانی که مرا در انجام این رساله یاری نموده‌اند قدردانی نمایم. پیش از هر چیز، خالص‌ترین مراتب سپاس و قدردانی‌ام را تقدیم جناب آقای دکتر بیزن زارع می‌نمایم که در طول تدوین این رساله همواره دلسوز و مشوق من بوده‌اند و با همدلی‌ها و حمایت‌های بی‌دریغشان در هموار شدن این مسیر صعب بر من تاثیرگذار بوده‌اند.

همچنین از استاد مشاورم دکتر فرهاد نصرتی نژاد بخاطر راهنمایی‌های ارزنده‌شان کمال تشکر را دارم. همین‌طور از تمامی دوستانم بخصوص دکتر آرش حیدری، دکتر کوروش امرایی، دکتر هومن رجبی و دکتر سعید رضایی و آقای صادق احمدی منش و آقای علی فرهادی که به انحاء مختلف بنده را در انجام این مهم یاری رسانده‌اند، نهایت سپاس را دارم.

چکیده

مشارکت اجتماعی شهروندان تحت تاثیر عوامل و متغیرهای گوناگون فردی و اجتماعی است. هدف این پژوهش بررسی عوامل اجتماعی و فرهنگی موثر بر مشارکت اجتماعی شهروندان است. روش تحقیق پیمایشی و جامعه آماری مورد مطالعه شهروندان ۱۸ سال به بالای منطقه های یک (بالا) هفت (متوسط) و هفده (پایین) شهر تهران می باشد. داده ها با استفاده از پرسشنامه خودسنجی و از حجم نمونه ۴۰۰ نفری با استفاده از جدول کرجس و مورگان به روش تصادفی ساده انتخاب شدند. نتایج پژوهش حاکی از میزان مشارکت اجتماعی متوسط رو به پایین در بین شهروندان جمیت مورد مطالعه است. همچنین بین متغیرهای مستقل (انسجام اجتماعی، اعتماد اجتماعی، بی قدرتی اجتماعی، رضایتمندی اجتماعی و سیاسی و نگرش نسبت به مشارکت و سن، جنس، تحصیلات، وضعیت تاهل) رابطه مستقیم و معناداری برقرار است. تحلیل رگرسیون چندگانه و نتایج تحلیل مسیر نشان داد که اعتماد اجتماعی، نگرش نسبت به مشارکت، بی قدرتی اجتماعی، رضایتمندی سیاسی مهمترین و تعیین کننده ترین عوامل مثبت و تاثیرگذار مثبت و مستقیم بر مشارکت اجتماعی شهروندان محسوب می شود. متغیرهای انسجام اجتماعی و رضایتمندی اجتماعی بصورت غیر مستقیم یعنی از طریق دیگر متغیرها بر مشارکت اجتماعی شهروندان تاثیر می گذارند. R2 معادل ۰/۵۴ می باشد.

واژه های کلیدی: مشارکت اجتماعی، انسجام اجتماعی، اعتماد اجتماعی، بی قدرتی اجتماعی، رضایتمندی سیاسی، رضایتمندی اجتماعی، نگرش نسبت به مشارکت.

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
	فصل اول: کلیات تحقیق
1-1-1	مقدمه
3-1-2	بیان مسأله
6-3-1	اهمیت و ضرورت انجام تحقیق
9-4-1	اهداف تحقیق
9-4-1-1	هدف کلی
9-4-1-2	اهداف جزئی
	فصل دوم: مبانی نظری و مروری بر مطالعات پیشین
11-2-1	مقدمه
11-1-1-2	ادبیات تجربی تحقیق
12-2-1-2	تحقیقات انجام شده در داخل
28-3-1-2	تحقیقات انجام شده در خارج از ایران
31-4-1-2	نقد و بررسی تحقیقات پیشین
32-1-2-2	ادبیات نظری تحقیق
33-2-2-2	مقدمه
36-3-2-2	مشارکت
36-4-2-2	مبانی نظری
37-1-4-2-2	دیدگاههای جامعه شناختی مشارکت
38-2-4-2-2	دیدگاههای روانشناختی مشارکت
40-3-4-2-2	چهارچوب نظری تحقیق
40-1-3-4-2-2	انسجام و مشارکت اجتماعی
42-1-1-3-4-2-2	امیل دورکیم
42-2-1-3-4-2-2	آنتونی گیدنز
43-2-3-4-2-2	اعتماد و مشارکت اجتماعی
44-1-2-3-4-2-2	زتومکا
45-2-2-3-4-2-2	کلمن
48-3-2-3-4-2-2	گیدنز
49-3-3-4-2-2	بی قدرتی و مشارکت اجتماعی
52-1-3-3-4-2-2	کارل مارکس
54-2-3-3-4-2-2	جورج زیمل

۸۳ ۳-۱۰-۲-۹- ویژگی‌های جمعیت‌شناختی
۸۳ ۳-۱۰-۲-۹- سن
83 ۳-۱۰-۲-۹- جنس
83 ۳-۱۰-۲-۹- وضعیت تأهل
83 ۳-۱۰-۲-۹- تحصیلات

فصل چهارم: توصیف و تجزیه و تحلیل داده‌ها

۸۵ ۴-۱- مقدمه
۸۶ ۴-۲- یافته‌های توصیفی
۸۶ ۴-۲-۱- توصیف متغیرهای زمینه‌ای
۸۹ ۴-۲-۲- توصیف متغیرهای اصلی
۸۹ ۴-۲-۲-۱- مقدمه
۹۰ ۴-۲-۲-۲- مشارکت اجتماعی
۹۲ ۴-۲-۲-۳- بی‌قدرتی اجتماعی
۹۴ ۴-۲-۲-۴- نگرش نسبت به مشارکت اجتماعی
۹۶ ۴-۲-۲-۵- انسجام اجتماعی
۹۸ ۴-۲-۲-۶- رضایتمندی سیاسی
۱۰۰ ۴-۲-۲-۷- رضایتمندی اجتماعی
۱۰۲ ۴-۲-۲-۸- اعتماد اجتماعی
۱۰۴ ۴-۲-۳- توصیف کلی متغیرهای اصلی پژوهش
۱۰۵ ۴-۳- یافته‌های استنباطی
۱۰۵ ۴-۳-۱- مقدمه
۱۰۶ ۴-۳-۲- بررسی رابطه بین متغیرهای زمینه‌ای و مشارکت اجتماعی
۱۱۰ ۴-۳-۳- آزمون فرضیه‌های تحقیق
۱۱۵ ۴-۴- تحلیل چند متغیره
۱۱۸ ۴-۵- مدل تحلیل مسیر متغیرها

فصل پنجم: نتیجه‌گیری و پیشنهادات

۱۲۱ ۵-۱- نتیجه‌گیری
۱۲۴ ۵-۲- جمع‌بندی نتیجه‌گیری
۱۲۸ ۵-۳- پیشنهادات
۱۳۰ فهرست منابع فارسی
۱۳ ۵-۱- نتیجه‌گیری

فهرست جداول

صفحه

عنوان

جدول ۱-۲- متغیرهای موثر بر مشارکت اجتماعی.....	Error! Bookmark not defined.
جدول ۲-۲ تلخیص چهارچوب نظری تحقیق.....	Error! Bookmark not defined.
جدول ۱-۳ شاخص های مشارکت اجتماعی.....	Error! Bookmark not defined.
جدول ۲-۳ شاخص های نگرش نسبت به مشارکت اجتماعی.	Error! Bookmark not defined.
جدول ۳-۳ شاخص های انسجام اجتماعی.....	Error! Bookmark not defined.
جدول ۳-۴ شاخص های اعتماد اجتماعی.....	Error! Bookmark not defined.
جدول ۳-۵ شاخص های رضایتمندی اجتماعی.....	Error! Bookmark not defined.
جدول ۳-۶ شاخص های رضایتمندی سیاسی.....	Error! Bookmark not defined.
جدول ۳-۷. شاخص های بی قدرتی اجتماعی.....	Error! Bookmark not defined.
جدول ۱-۴. جنس پاسخگویان.....	۹۰
جدول ۲-۴. سن پاسخگویان.....	۹۱
جدول ۳-۴ وضعیت تاهل پاسخگویان.....	۹۱
جدول ۴-۴. میزان تحصیلات پاسخگویان.....	۹۲
جدول ۴-۵. توزیع فراوانی و درصدی پاسخگویان بر حسب پاسخ به گویه های مشارکت اجتماعی	۹۴
جدول ۴-۶. توزیع کلی پاسخگویان به متغیر مشارکت اجتماعی.....	۹۵
جدول ۴-۷. توزیع فراوانی و درصدی پاسخگویان بر حسب پاسخ به گویه های اعتماد اجتماع....	۹۶
جدول ۴-۸. توزیع پاسخگویان بر حسب توزیع ابعاد متغیر اعتماد اجتماعی.....	۹۷
جدول ۴-۹. توزیع کلی پاسخگویان به متغیر اعتماد اجتماعی.....	۹۸

- جدول ۴ - ۱۰. توزیع فراوانی و درصدی پاسخگویان برحسب پاسخ به گویه های بی قدرتی ۹۹
- جدول ۴-۱۱. توزیع پاسخگویان به متغیر بی قدرتی اجتماعی ۹۹
- جدول ۴ - ۱۲. توزیع فراوانی و درصدی پاسخگویان برحسب پاسخ به گویههای نگرش به مشارکت ۱۰۰
- جدول ۴-۱۳. توزیع کلی پاسخگویان به متغیر نگرش به مشارکت اجتماعی ۱۰۰
- جدول ۴-۱۴. توزیع فراوانی و درصدی پاسخگویان برحسب پاسخ به گویههای انسجام اجتماعی ۱۰۱
- جدول ۴ - ۱۵. توزیع کلی پاسخگویان به متغیر انسجام اجتماعی ۱۰۲
- جدول ۴-۱۶. توزیع فراوانی و درصدی پاسخگویان برحسب پاسخ به گویههای رضایت سیاسی ۱۰۳
- جدول ۴-۱۷. توزیع پاسخگویان بر حسب ابعاد متغیر رضایتمندی سیاسی ۱۰۴
- جدول ۴-۱۸. توزیع کلی پاسخگویان به متغیر رضایت سیاسی ۱۰۴
- جدول ۴-۱۹. توزیع فراوانی و درصدی پاسخگویان برحسب پاسخ به گویههای رضایت اجتماعی ۱۰۵
- جدول ۴ - ۲۰. توزیع پاسخگویان بر حسب ابعاد متغیر رضایت اجتماعی ۱۰۶
- جدول ۴ - ۲۱. توزیع کلی پاسخگویان به متغیر رضایت اجتماعی ۱۰۷
- جدول ۴-۲۲. توصیف کلی متغیرهای اصلی پژوهش ۱۰۸
- جدول ۴-۲۳. توزیع نرمالیده **Error! Bookmark not defined.**
- جدول ۴-۲۴. همبستگی بین جنس پاسخگویان و مشارکت اجتماعی ۱۱۰
- جدول ۴-۲۵. یو من وایتنی ۱۱۱
- جدول ۴-۲۶. بین وضعیت تاهل پاسخگویان و مشارکت اجتماعی ۱۱۲
- جدول ۴-۲۷. آزمون یومن وایتنی ۱۱۲
- جدول ۴-۲۸. همبستگی بین سن پاسخگویان و مشارکت اجتماعی ۱۱۳
- جدول ۴-۲۹. همبستگی بین سن پاسخگویان و مشارکت اجتماعی ۱۱۴
- جدول ۴-۳۰. ضریب همبستگی بین بی قدرتی و مشارکت اجتماعی ۱۱۵
- جدول ۴-۳۱. ضریب همبستگی بین اعتماد اجتماعی و مشارکت اجتماعی ۱۱۶

جدول ۴-۳۲. ضریب همبستگی بین رضایت اجتماعی و مشارکت اجتماعی.....	۱۱۷
جدول ۴-۳۳. ضریب همبستگی بین رضایت سیاسی و مشارکت اجتماعی.....	۱۱۸
جدول ۴-۳۴. ضریب همبستگی بین انسجام اجتماعی و مشارکت اجتماعی.....	۱۱۹
جدول ۴-۳۵. ضریب همبستگی بین نگرش به مشارکت و مشارکت اجتماعی.....	۱۲۰
جدول ۴-۳۶. میزان R2 متغیرهای تحقیق.....	۱۲۱
جدول ۴-۳۷. ANOVA.....	۱۲۱
جدول ۴-۳۸. ضرایب رگرسیون.....	۱۲۲
جدول ۴-۳۹. تاثيرات مستقیم و غیرمستقیم و کل بر متغیر میزان مشارکت اجتماعی و میزان R ²	۱۲۴

فهرست اشکال

عنوان	صفحه
شکل ۱-۲ اجزا مفهوم مشارکت.....	۳۵
شکل ۲-۲ مدل مفهومی تحقیق.....	۶۲
شکل ۱-۴ مدل تحلیل مسیر متغیرهای تحقیق.....	۱۱۹

فصل اول

کلیات تحقیق

۱-۱. مقدمه

بنای هر جامعه در ارتباط انسانها با یکدیگر است، بر اساس متون جامعه شناختی ارتباط انسانها با یکدیگر بر مبنای قواعد و هنجارهای مرسوم شکل می گیرد. همه ابعاد زندگی اجتماعی، اقتصادی و سیاسی کشور ما در طول تاریخ براساس مشارکتهای مردم استوار بوده است؛ اما علی رغم این اهمیت ویژه که در این مرز و بوم داشته مشارکت تجدید حیات خود را تا حدود زیادی مدیون تحولات سیاسی - اجتماعی اخیر در دنیای غرب می داند که ناکامی و شکست خط مشی و سیاستهای خرد و کلان توسعه و عدم موفقیت نظریه های مبتنی بر رشد اقتصادی و نظریه وابستگی و سرانجام پیامدهای نامناسب توسعه اقتصادی، در سالهای اخیر اندیشمندان را ملزم ساخت تا یک دید بسیار جامع تری از توسعه اقتصادی و خصوصا توسعه پایدار اتخاذ کنند. یک روش بررسی توسعه در نظر گرفتن آن بر حسب گسترش آزادی حقیقی است؛ که شهروندان برای تعقیب هدفهایی که برای ارج نهادن بر آنها دلیل دارند در اختیار بگیرند و به این معنا گسترش قابلیت انسان را می توان بطور وسیعی بعنوان جنبه اصلی فرایند توسعه در نظر گرفت.

از سوی دیگر با عنایت به این واقعیت که رشد ملی صرفاً تابع محض منابع مادی نیست بلکه بیشتر به یاری مشارکت انسانها انجام می‌گیرد و تصمیمات گروهی و ابداع تخیل جمعی، محور کار در آینده است. به همین دلیل نیز ضرورت مشارکت هیچ‌گاه در طول تاریخ همانند امروز و آینده دارای اهمیت نبوده است و احساس نمی‌شود؛ اما علیرغم حضور پر سابقه مشارکت در کشور ما این مقوله هنوز بصورت علمی، فنی و حرفه‌ای محلی از اعراب ندارد. جایگاه واقعی مشارکت و تثبیت و نهادینه شدن آن موکول و منوط به معنی یافتن شهروندی دارد. تضعیف تسلط مطلق حکومتها و رشد روز افزون تشکل‌های مدنی و به رسمیت شناختن حضور همه‌جانبه مردم و احترام به نتایج آرای انتخابات، کاهش تضاد میان فرد، جامعه و حکومت، سهیم شدن همه مردم در آرمانهای مشترک، قاعده‌مندی نمودن آزادیهای فردی، پیش‌فرض‌ها و پیش‌شرط‌های تحقق جامعه آرمانی است. چرا که در یک جامعه مدنی است که فرد می‌تواند به سرشت خود به عنوان موجودی خلاق و مولد تحقق بخشد. این حوزه یعنی عرصه جامعه مدنی باید آزادگذاشته شود تا خود جامعه بتواند تکامل یابد. مشارکت به معنای واقعی که بتواند زمینه را برای به فعلیت رساندن توسعه پایدار مهیا سازد، می‌بایست موارد فوق در آن لحاظ گردد و تحقق آنها امکانپذیر باشد؛ بنابراین امروزه اداره شهر و الزامات مرتبط با آن بستگی شدید و محکمی با مشارکت تمامی افراد جامعه دارد. از خودبیگانگی انسانها و نوستالژی بودن کنش آنها، عدم احساس مسئولیت در تعیین سرنوشت خویش، احساس بیهودگی خود در عرصه‌های گوناگون زندگی اجتماعی، مشکلات عدیده‌ای برای شهر در پی خواهد داشت، رفع این معضلات و تنگناها زمانی امکانپذیر است که شهرنشینان از حالت فردی و انزوا درآیند و به شهروند تبدیل شوند، این پژوهش تلاش دارد با استفاده از اندیشه‌های معتبر در زمینه مشارکت در حد بضاعت علمی، راهکارهای مفیدی جهت اداره شهر و درگیر کردن شهروندان در امور شهر ارائه نماید.

۱-۲. بیان مسئله

ویژگی عصر ما شهرنشینی گسترده است، افزایش جمعیت شهرها و به تبع آن توسعه شهرهای کوچک و بزرگ است. شهرنشینی بیش از پنج هزار سال قدمت دارد، درحالی که در سال ۱۹۰۰ میلادی از هر ۸ نفر فقط یک نفر در مناطق شهری زندگی می کرده است، طی دوره ۱۹۹۰ تا دوره ۲۰۳۰ جمعیت نواحی شهری تا حدود ۳/۳ درصد میلیارد نفر رشد خواهد کرد، ازاین میزان ۹۰ درصد در نقاط شهری کشورهای در حال توسعه خواهند بود. همچنانکه مهاجران در جستجوی کار و فرصت های بهتر یا فقط برای دستیابی به غذا و سرپناه به مهاجرت به شهرها ادامه می دهند، ظرفیت زیر ساختهای شهری اغلب در فشار قرار می گیرد و حتی کاهش می یابد، وضع مساکن موجود بدتر و متراکم تر می شود و فضاهای باز مورد تجاوز قرار می گیرند. (کاظمی، محمدی، ۱۳۸۰:۹۶). شهرنشینی شتابان چهار دهه گذشته در کشورهای رو به توسعه چندین پیامد منفی داشته است که عبارتند از: افزایش فقر در شهرها، ارائه ناکافی مسکن و خدمات شهری اصلی مانند، خدمات بهداشتی، آب، پیدایش زاغه ها و مسکن های غیر قانونی و ویرانی زیست-محیطی (زاهدی، ۱۳۸۲: ۷). رابطه شهر و شهروندی دو سویه است، انسانها شهر را می سازند و شرایط شهرها در زندگی آنها تاثیر قاطع و امکان ناپذیر دارد، اصلاح ساختار شهری و بهینه کردن شهرنشینی به اصلاح و بهینه کردن این رابطه نیاز دارد که مدیریت شهری سازماندهی این ارتباط را برعهده دارد و باید همه جوانب موضوع را مد نظر داشته، با دقت بررسی نماید، چراکه برای دستیابی به شهر ایده آل راه طولانی و خطیری پیش روی ما نهاده است و تلاش عظیمی می طلبد. (جاجرمی و دیگران، ۱۳۷۷: ۱۰)

نقش مردم و حضور همه جانبه آنها در تمامی امور جامعه روز به روز حساس تر می شود، امروز حق تعیین سرنوشت مردم به دست خودشان که از حقوق طبیعی و ذاتی آنها نشات می گیرد و

همچنین حضور آگاهانه مردم در عرصه های سیاسی و اجتماعی بعنوان یکی از شاخص های توسعه پایدار مورد تاکید و پذیرش و قبول همگان قرار گرفته است؛ زیرا توسعه پایدار، بدون برخورداری از کارکردهایی در جهت تعمیق مشارکت دموکراتیک دست یافتنی نخواهد بود. آنچه پروژه توسعه را در کشورهای جهان سوم با ناکامی و شکست مواجه ساخته بود همانا بی اعتنائی، غفلت و جدی نگرفتن اراده عمومی و حضور مردم در برنامه ها و اهداف توسعه می باشد، قدرت جمعی مردم که بعنوان ثروت ملی تلقی می شود برای بهبود پیشرفت حیات اجتماعی بیش از هر زمان دیگری ضروری و کارساز است.

مشارکت کلیه افراد جامعه در اداره امور جامعه یکی از اهداف و ایده های اصلی دیدگاههای کلاسیک و معاصر توسعه و دموکراسی بوده است. لذا گسترش تدریجی حق مشارکت مردمی و ایجاد نهادهای اعمال آنها از اهداف اصلی هر جامعه دموکراتیک است. در منابع جدید مربوط به توسعه اقتصادی، سیاسی و اجتماعی، میزان و سطح مشارکت مردم در انواع گروهها و برنامه های اجتماع بخصوص در انجمن های داوطلبانه و سازمانهای غیر دولتی بعنوان یکی از شاخص های مهم توسعه در نظر گرفته می شود.

مشارکت به معنای عملی و حرفه ای آن ارتباط نزدیک و فشرده ای با مفهوم شهروندی و نظامهای دموکراتیک دارد، بنابراین آنچه این ویژگی شهروندی را از تابعیت محض متفاوت می سازد، وجود یک اخلاق مشارکت می باشد، در واقع شهروندی به مثابه پیش نیاز و شرط دموکراسی مطرح است. (احمدی منصور، ۱۳۸۳: ۱۰)

جامعه مدنی بدون شهروند معنا و مفهوم ندارد، به عبارتی دموکراسی بر پایه و بنیاد ایده حق برابر مشارکت استوار است، به همین دلیل در غرب نهادهای مدنی بالقوه ای که در جامعه به آستانه ابراز وجود رسیده اند، در یک روند عقلانی سامان و نظام مند می شوند و انجمن های شهروندی متشکل از

افراد آزاد و براساس تصمیم فردی گردهم آمده و حزب و دولت مفهوم جدید آنرا بنیان گذاشته اند و انجمن های صنفی به سهولت به گروهی با شخصیت حقوقی متکی به قانون قرارداد اجتماعی تبدیل شده و گردهمایی با عمل عقلایی جمعی یا مشارکتی بوجود می آیند. (همان)

اما حال پرسش کلیدی و اساسی این است که علیرغم اینکه امروز به درستی براین نکته اذعان گردید که مشارکت اصلی ترین عنصر سازنده توسعه پایدار و یکی از مولفه های مهم و اساسی نظام مردم سالار و شاخص های برجسته آن است، چه عوامل اجتماعی و فرهنگی را می توان در شکل گیری آن موثر دانست؟

امروزه در کشورهای جهان سوم و از جمله ایران شاهد این مسئله هستیم که هر روز از مشارکت مردم در امور مختلف حیات اجتماعی کاسته می شود و میزان علاقه و اشتیاق افراد در عضویت گروهها و انجمن ها و خصوصا مشارکت در انتخابات که یک حق شهروندی است کمتر می شود و زمینه ای برای بی تفاوتی و عدم مسئولیت پذیری اجتماعی افراد مساعدتر می گردد. بدون شک این امر باعث ایجاد خسارتهای جبران ناپذیری در جامعه می شود که تبعات منفی آن تهدیدی جدی برای منافع ملی و توسعه همه جانبه خواهد شد و در چنین فضایی، عرصه عمومی جامعه مدنی نیز موضوعیت خود را از دست خواهد داد و همین مشکل و عارضه برای مشارکت به معنای عملی و منفی آن نیز بوجود می آید. در واقع جامعه مدنی زمانی محقق و اجرا شدنی است که پیش شرط اصلی آن یعنی شهروندی موضوعیت پیدا کند.

۱-۳. ضرورت و اهمیت تحقیق

میزان مشارکت اجتماعی افراد یک جامعه در تحقق زندگی بهتر و جامعه ای توسعه یافته تر اثر قابل توجهی دارد. مشارکت وسیع اجتماعی، خصوصا اگر به صورت سازمان یافته انجام پذیرد، از بی تفاوتی، تکروری و از خودبیگانگی اجتماعی و فرهنگی جلوگیری می کند، سبب کاهش نابرابری اجتماعی می شود، و نیروی همبستگی و وحدت ملی را تقویت می نماید.

همچنین مشارکت از طریق بسیج نیروهای سازمان یافته مردمی، توانمندی افراد را بالا می برد و سبب رشد و توسعه پایدار جامعه و حصول شرایط مساعدتر زندگی می گردد. حتی توانمندی افراد را بالا می برد و سبب رشد و توسعه پایدار جامعه و حصول شرایط مساعدتر زندگی می گردد. حتی می توان گفت دسترسی به توسعه همه جانبه و پایدار بدون مشارکت وسیع مردمی امکانپذیر نیست. مشارکت مردم، افزون بر حوزه داخلی، در بعد بین المللی و سیاست خارجی نیز حایز اهمیت است. (کریمی، ۱۳۸۲، ۹)

مشارکت اجتماعی یکی از شاخص های مهم رفاه اجتماعی و توسعه پایدار است. از عمل آگاهانه مردم در جوامع و حضور فعال و همه جانبه آنها در عرصه های مختلف حیات اجتماعی به عنوان مهمترین ضرورت در مسیر نیل به توسعه یاد می شود، به موازات گسترش شهرها و تحولات عظیمی که در عرصه هاس گوناگون زندگی اجتماعی کشور ما صورت می گیرد، ضرورت لزوم مشارکت گسترده و حضور چشمگیر شهروندان بیش از پیش احساس می شود. بدون تردید چنانچه به مشارکت اجتماعی واقعی توجه نشود با بحرانهای جدی روبرو خواهیم شد. رفتار منفعلانه و بی تفاوتی افراد در تعیین سرنوشت خود، سبب محروم شدن آنها از رفاه و آزادی وسایر امکانات مادی و معنوی خواهد شد. فراهم کردن بسترهای مناسب برای محقق ساختن نهادهای مدنی شهری می تواند مکانیزمهای مهمی در

حل بحرانها را سبب گردد. تاکید بر اهمیت مشارکت لازمه صفات زندگانی، یعنی آداب معاشرت را به ما می آموزد، توانایی ما را قوت می بخشد و رفتار منفعلانه افراد را فعال و کارآمد می سازد. «در کشورهای توسعه یافته، حکومتها نمی توانند سرچشمه ای جز آراء آزادانه مردم داشته باشند، دوام حکومتها و بقای دولتها بدون آراء و پشتیبانی مردم میسر نیست». (آذرنگ، ۱۳۷۷، ۲۸)

ازسوی دیگر مشارکت شهروندان در امور روزمره زندگی شهری خود و کمک به مدیریت شهری یکی از شاخصهای مردم سالاری در جوامع جدید است. از جمله مشارکت شهروندان یکی از عناصر «حکمرانی خوب» به حساب آمده است. با این حال و به رغم مطرح شدن مفهوم شهروندی از دهه دوم انقلاب به این سو و پیدایی متون نظری فراوان، هنوز درباره دو مفهوم مشارکت و شهروندی ابهام وجود دارد. در مفهوم مشارکت بیش از آنکه ابهام نظری در میان باشد، ابهامی عملی در میان است. این ابهام به نحوه «عملی کردن» مشارکت در جامعه بازمی گردد؛ اما ابهام دوم، ابهامی مفهومی و نظری است. این ابهام تنها به تعریف ساده این مفهوم بازمی گردد؛ بلکه جایگاه آن در فلسفه سیاسی ما مشخص نیست. از آنجا که مفهوم شهروندی در بافت فلسفه های سیاسی لیبرال، یا جماعت گرا مطرح شده، با مبانی فلسفی غرب سازگار است؛ اما جایگاه آن در فلسفه سیاسی ما روشن نیست. این ابهام سبب شده است که مفهوم شهروندی به مفهومی «نفوذی»، «غریبه» و به طور کلی غربی تصور شود و برخی آن را ناسازگار با نظام اسلامی و زندگی شهری ایرانی - اسلامی بدانند. با این حال، به نظر می رسد که این مفهوم را باید در مدلی از شهروندی جای داد تا نحوه نگرش خاص ما به آن روشن شود و جایگاه آن در فلسفه سیاسی ما مشخص شود. این موضوع از آن جهت حایز اهمیت است که برخی سازمانها، نظیر شهرداری، اساس کار خود را بر تعریف شهروند و مشارکت وی در «حیات اجتماعی عمومی» تعریف کرده است. (کوثری مسعود، ۱۳۹۰)

ضرورت مشارکت در تمامی عرصه های کار و زندگی مشهود است. گرچه رشد جمعیت در کشور بسیار کند است اما نیروی محرکه ساختار جمعیتی ایران که همان جوان بودن جمعیت می باشد، در آینده مشکلات اجتماعی عدیده ای را به همراه دارد؛ و این در شرایطی رخ می دهد که ضرورت های ملی و بین المللی، نقش سستی دولت را دگرگون کرده و دیگر دولت نمی تواند با اتکا به در آمد نفت که به جای نعمت برای کشور ما زحمت و دردسر شده است و ما را به مصرف بدون تولید عادت داده، بار سنگین جامعه را بدوش بکشد. حال اینکه در جامعه ایران هنوز مشارکت نهادینه نشده و توانایی بالقوه مردم فعلیت نیافته، می توان ناشی از ضعف و فقدان مبانی نظری مشارکت و تئوریهای حاکم بر آن باشد.

اهمیت این تحقیق در دو ضرورت شناخته میشود: الف) اهمیت و ضرورت شناختی: با اینکه از لحاظ کمی و آماری در امور مشارکت در حوزه های مختلف حیات اجتماعی در ایران کم کار نشده است، ولی این کارها اکثراً از عمق کافی برخوردار نبوده و بطور جدی و واقعی مشارکت و موانع فرهنگی، سیاسی و اجتماعی آن را بطور شایسته و آنچنان که در واقعیت هست مورد بررسی قرار داده اند. از طرف دیگر موضوع مشارکت و حوزه های مختلفی که مشارکت در آنها مطرح است آنقدر گسترده است که هر چه کار شود باز برای نیازهای علمی ما در این زمینه کافی نیست.

ما در کشوری زندگی میکنیم که فرهنگ مشارکت در آن نهادینه نشده است، بنابراین کارها و تحقیقات تجربی زیادی لازم است در حوزه های مختلف و در مناطق و در سطوح مختلف انجام گیرد تا پایه هایی برای سرمایه علمی مورد نیاز در این زمینه باشد همانطور که میدانیم کارهای تجربی می تواند پشتوانه ای برای طرح مباحث تئوریک و غنای آنها گردد.

تئوریهای موجود در ارتباط با مشارکت و جنبه های مختلف آن بیشتر توجیه کننده و تبیین کننده مسائل مربوط به مشارکت در شرایط اجتماعی، سیاسی و فرهنگی غرب می باشد. این تئوریا در

برخورد با مسائل مربوط به مشارکت در کشورهای جهان سوم و بخصوص کشور ما ناتوان و نارسا هستند؛ بنابراین کارهای تجربی در مورد مشارکت و ابعاد آن در ایران می تواند پایه ای برای طرح ریزی تئوری های واقع گرایانه و توجیه و تبیین کننده مسائل و وجوه مختلف مشارکت در شرایط خاص جامعه ایران باشد، به عبارت دیگر این کارها می تواند گامی در جهت هدف بزرگتر که همان بومی کردن تئوریهای دانش جامعه شناسی است باشند.

ب) ضرورت و اهمیت کاربردی: مجموعه مدیریت شهری شامل شورای تامین استان، استانداری، شهرداری، شورای منتخب شهر و روستا و همچنین وزارت کشور بطور گسترده ای می توانند از نتایج تحقیق حاضر استفاده به عمل بیاورند.

بنابراین مطالعه شرایط و عوامل تأثیرگذار بر مشارکت مردم در زمینه اجتماعی و سیاسی به ویژه

عوامل اجتماعی ضرورت اساسی دارد.

۱-۴. اهداف تحقیق

پژوهش های اجتماعی دارای یکی از اهداف زیر می باشد:

یا برای هدف های کلی است که معمولا با بالا بردن سطح دانش، سطوح گسترش تفکر، استدلال و پیشی بینی پدیده ها و دگرگونی در محیط برای ایجاد محیط بهتر و پیدا کردن تبیین های رضایت بخش برای پدیده ها محتاج تفسیر است (سروش، ۱۳۷۱، ۱۳۶)

هدف دوم در رابطه با نظریه های موجود بررسی می شود تا از یک سو به کمک آن نظریه ابعاد مسئله روشن تر شود و از سوی دیگر، با آن بررسی بنیان اثباتی و تجربی نظریه تقویت گردد (همان، ۱۳۶)

اهداف اصلی این تحقیق میتواند به این صورت باشد:

الف) شناسایی متغیرهای اصلی اثرگذار بر تمایل شهروندان در مشارکت در اداره امور جامعه و همچنین تعیین میزان و سهم اثرگذاری هر یک از این متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته تحقیق است.
ب) ارائه راهکارها و پیشنهادهای جدید جهت بالا بردن میزان مشارکت اجتماعی شهروندان است.

همانطور که گفته شد، مطالعه و بررسی عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر مشارکت شهروندان می باشد. سؤال اصلی نیز این خواهد بود که چه عوامل اجتماعی و فرهنگی بر مشارکت شهروندان تأثیرگذار می باشد؟

اهداف فرعی:

مطالعه و بررسی رابطه بین متغیرهای جمعیت شناختی و میزان مشارکت اجتماعی شهروندان